

برهمنان حسینی و قیام کربلا: بررسی تاریخی^۱

محسن معصومی^۲

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

موهیال‌ها شاخه‌ای از برهمنان هستند که خود به هفت طایفه تقسیم می‌شوند؛ یکی از طوایف موهیال، دت‌ها هستند. دت‌ها که به «برهمنان حسینی» مشهور شده‌اند، بر این باورند که یکی از اجداد آن‌ها به نام رای دت سید راهب به همراه فرزندان خود در قیام کربلا (۶۱هـ) حاضر بوده‌اند. در این مقاله، میزان درستی و دقت این ادعای برهمنان حسینی و همخوانی روایت‌های موجود در تاریخ آن‌ها با روایت‌های تاریخی اسلامی و نیز دلایل شهرت بیشتر این برهمنان از سده نوزدهم میلادی به بعد، بررسی شده‌است. با استناد به منابع تاریخ اسلام و هند و نیز برخی از شواهد و قرائن موجود، نشان داده شد که روایت‌های موجود در کبیت‌ها به لحاظ تاریخی فاقد اعتبار و البته به هم ریخته، نابسامان و زمان‌پریش است و در منابع تاریخی و مقاتل موجود و نیز در پژوهش‌های صورت گرفته درباره تاریخ تشیع در هند، هیچ اثری از حضور و مشارکت اجداد برهمنان حسینی در قیام کربلا در دست نیست.

کلیدواژه‌ها: موهیال، دت، برهمنان حسینی، قیام کربلا، آیین‌های محرم.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۱

۲. رایانامه: mmassumi@ut.ac.ir

مقدمه

موهیال‌ها شاخه‌ای از برهمنان هستند که خود به هفت طایفه تقسیم می‌شوند. این شاخه از برهمنان نقش مهمی در تاریخ هند در دوره‌های باستان و میانه (اسلامی) داشته‌اند. آن‌ها که تاریخ خود را به روزگاران کهن می‌رسانند، در دوره اسلامی با حکومت‌های مسلمان و هندو و پس از آن نیز با حکومت بریتانیا به عنوان نیروی‌های نظامی یا کشوری همکاری داشتند و حتی برخی از آن‌ها حکومت محلی تشکیل دادند یا جاگیرهایی از سلاطین مسلمان گرفتند. درباره تاریخ موهیال‌ها پیش از سده نوزدهم اطلاعات اندک و مبهمی در دست است. در دهه‌های پایانی سده نوزدهم، برهمنان موهیال با انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی و با تشکیل نهادها و انجمن‌هایی در صدد روشن ساختن نسب خویش و جمع‌آوری تاریخ طوایف مختلف موهیال برآمدند و طی فراخوانی از همه موهیال‌ها خواستند که هر اطلاعی درباره اصل و نسب و تاریخ خود دارند، ارائه کنند. نتیجه این اقدامات منجر به تألیف دو کتاب درباره تاریخ موهیال شد. یکی کتاب تاریخ موهیال‌ها: طایفه برهمنان جنگجوی هند^۳ اثر راسل استریسی^۴ و دیگری کتابی به اردو با عنوان گلشن موهیال نوشته رای‌زاده هریچند وید^۵ که به ترتیب در ۱۹۱۱ و ۱۹۲۳ در لاهور منتشر شدند. بیشتر اطلاعات موجود درباره موهیال‌ها در پژوهش‌های بعدی برگرفته از این دو کتاب است. البته در تعلیقاتی که آر. تی موهان^۶ بر کتاب جنگنامه موهان (کتابی درباره تاریخ طایفه موهان، یکی از طوایف هفتگانه موهیال) نوشته، ادعا شده است که پیش از سده نوزدهم اثری به نام کتاب رای سیگره^۷ توسط شخصی به همین نام درباره تاریخ موهیال‌ها موجود بوده که استریسی بیشتر مطالب خود را از آن گرفته است، اما آن کتاب اکنون مفقود است (Mohan, n. d: 24).

3. *The history of Muhiyals: The militant Brahman race of India*

4. Russell Stracey

5. Raizada Harichand Vaid

6. R. T. Mohan

7. *Puthi of Rai Seegarh*

از میان طوایف هفتگانه موهیال یعنی دت، وید، چهبر، بالی، موهان، لائو و بهیم‌وال،^۸ طایفه دت (احتمالا از ریشه سانسکریت به معنی بخشنده و سخاوتمند)، بیشترین ارتباط را با مسلمانان به‌ویژه شیعیان دارند. این طایفه از موهیال‌ها بر اساسی یکی از روایت‌های خود، باور دارند که اجداد آن‌ها در حادثه کربلا حضور داشته و امام حسین -علیه‌السلام- را برضد سپاهیان یزید یاری کرده‌اند، یا براساس روایتی دیگر، معتقد هستند که نیاکانشان در قیام مختار در کوفه و گرفتن انتقام از قاتلان امام حسین، سهم مهمی داشته‌اند؛ از این رو دت‌ها را از زمانی نامعلوم، احتمالا از میانه سده نوزدهم، به‌سبب عزاداری برای امام حسین در دهه نخست محرم و آداب و رسوم خاص در زمینه عزاداری محرم، «برهمنان حسینی» خوانده‌اند. موهیال‌ها به‌ویژه طایف دت، از دوره هند باستان و سپس در دوره اسلامی، بیشتر در سرزمین‌های غربی و شمال غربی شبه قاره هند به‌ویژه در مناطقی چون کشمیر، پنجاب و گجرات ساکن بودند. با این حال در دوره اسلامی در مناطق مختلف هند و حتی بخش‌هایی از خراسان (افغانستان امروزی) پراکنده شدند. در این مقاله، ضمن بیان تاریخچه طایفه دت براساس روایت‌های خود آن‌ها و بیان چگونگی حضور آن‌ها در کربلا و کوفه، به مختصری از آداب و عادات آن‌ها در محرم پرداخته شده و سپس براساس منابع تاریخ اسلام و نیز شواهد و قرائن موجود به بررسی درستی یا نادرستی این ادعاها پرداخته خواهد شد.

از آغاز سده بیستم و پس از کتاب‌های راسل استریسی و رای‌زاده هریچند وید، پژوهش‌های زیادی درباره تاریخ و فرهنگ موهیال‌ها صورت گرفته و بالتبع به تاریخ طایفه دت نیز توجه شده‌است. اما در این پژوهش‌ها به برهمنان حسینی اصلا توجهی نشده یا این‌که تنها به بیان شرکت آن‌ها در مراسم محرم اکتفاء شده‌است. در مقالات پژوهشی و نیز مطالبی که از میانه سده بیستم در مجلات و روزنامه‌ها و سپس پایگاه‌های اینترنتی درباره این گروه نوشته شده، اغلب به بیان تاریخچه‌ای از حضور آن‌ها در قیام کربلا براساس کبیت‌ها (نک. ادامه مقاله) و سپس شرح مفصل مشارکت آن‌ها در آیین‌های محرم و بیان آداب و رسوم آنان

8. Datt, Vaid, Chhibbar, Bali, Mohan, Lau, Bhimwal

در این ایام پرداخته شده است (برای نمونه نک. دهر میندرنات، ۲۰۱۳: ۳۷۶-۳۷۹؛ اعظم لطفی، ۱۳۹۵: ۱۱۴-۱۲۵؛ جعفری، ۱۳۶۳: ۳۱-۳۲؛ ارادت خاص برهمنان حسینی به امام حسین، ۱۳۹۹؛ حسینی برهمن: عاشقان امام حسین(ع) و خاندان عصمت و طهارت(ع)، ۱۴۰۰؛ از عاشورخانه تا امامبارگاه: روایتی از ارادت هندوها به سالار شهیدان، ۱۴۰۱؛ عزاداری پرشور هندوها و اهل سنت همراه با شیعیان در سوگ سالار شهیدان(ع)، ۱۳۹۴). از این رو مقاله یا کتابی که به بررسی درستی ادعاهای برهمنان حسینی درباره حضور اجدادشان در کربلا و تطبیق آن با منابع تاریخی و مقاتل مسلمانان پرداخته باشد، یافته نشد.

۱. ورود نیاکان طایفه دت یا برهمنان حسینی به عراق

تقریباً همه آگاهی‌های موجود درباره تاریخ طایفه دت، به‌ویژه در زمینه ارتباط آن‌ها با سرزمین عراق، برگرفته از اشعاری رباعی‌گونه به نام کبیت/کویت^۹ است. کبیت قالبی شعری است که اغلب برای بیان معانی و مضامین دینی توسط هندوان به‌کار می‌رود. کبیت‌های متعلق به دت‌ها، ظاهراً در سده‌های میانه اسلامی در مناسبت‌های مختلف دینی توسط آوازه خوانان و خنیاگران این طایفه خوانده می‌شد. این کبیت‌ها که در حقیقت اشعاری در رثای اجداد طایفه دت هستند، در بردارنده تاریخ و چگونگی حضور آن‌ها در جزیره‌العرب و عراق و مشارکت در واقعه کربلا و سپس قیام مختار و البته رثای امام حسین - علیه‌السلام - و یاران وی است. منشأ این کبیت‌ها به درستی مشخص نیست. به نظر می‌رسد این اشعار قرن‌ها به صورت شفاهی و سینه به سینه در بین دت‌ها منتقل می‌شده‌است. از اواخر سده نوزدهم کوشش‌هایی برای جمع‌آوری کبیت‌ها صورت گرفت و نخستین بار استریسی آن‌ها را در کتاب خویش (به زبان هندی و رسم‌الخط اردو) در ۱۹۱۱ جمع‌آوری و منتشر کرد (Mohan, n. d: 38-40; (Stracey, 1938: 127-157; Rose, 1914: 3/133).

در کبیت‌ها، روایت‌های مختلف و گاه متناقضی درباره زمان و نیز دلیل حضور برهمنان

دت در سرزمین عراق ذکر شده است که از میان آن‌ها به سه روایت که رواج و شهرت بیشتری دارند، اشاره می‌شود:

براساس روایت نخست، اسکندر مقدونی پس از بازگشت از هند در دره جهلم^{۱۰} در کشمیر، با گروهی از برهمنان موهیال روبه‌رو شد که بر خلاف دیگر برهمنان، به جنگاوری و دلاوری شهره بودند؛ این گروه مورد توجه اسکندر قرار گرفتند و وی شماری از آن‌ها را با خود به سوی مقدونیه برد، اما با درگذشت اسکندر در بابل این گروه در جنوب بین‌النهرین ماندگار شدند (Stracey, 1938: 42؛ دهر میندرنات، ۲۰۱۳: ۳۷۶-۳۷۷). حتی برخی از نویسندگان مدعی شده‌اند که بازماندگان این دت‌ها که قرن‌ها در این منطقه سکونت داشتند، به هنگام ظهور اسلام، با حضرت محمد -صلی‌الله‌علیه‌و آله- روابط بازرگانی داشتند (Sheikh Majid, 2017؛ جعفری، ۱۳۶۳: ۳۲).

بنابر روایت دیگر، پس از نبرد و حماسه بزرگ مهاباراتا، فرزند آچاریا^{۱۱} به نام آشتوتهما^{۱۲} به همراه شمار زیادی از پیروان خویش به جزیره‌العرب مهاجرت کرد. بنابراین روایت، آشتوتهما، جد بزرگ دت‌ها بود و عده‌ای از نوادگان وی تا هنگام ظهور اسلام در جزیره‌العرب و عراق سکونت داشتند (Stracey, 1938: 43; Rose, 1914: 3/133؛ دهر میندرنات، ۲۰۱۳: ۳۷۶-۳۷۷).

براساس روایت سوم مذکور در کبیت‌ها، ورود دت‌ها به سرزمین عراق بسیار متأخر و مربوط به سده نخست هجری و ماجرای قیام امام حسین است. بنابراین روایت، شهربانو همسر امام حسین و دختر یزدگرد ساسانی، خواهری به نام مهربانو داشت که از قضا، همسر یکی از پادشاهان هند به نام چندرگوپتا^{۱۳} بود. هنگامی که یزید تصمیم به قتل امام حسین

-
10. Jhelum valley
 11. Acharya
 12. Ashthuthama
 13. Chandar Gupta

گرفت، امام سجاد نامه‌ای به چندرگوپتا نوشت^{۱۴} و درخواست یاری کرد. وی نیز گروهی را به کمک امام فرستاد. بنابر یک روایت، این افراد در کربلا به امام حسین پیوستند و برخی از آن‌ها در رکاب وی به شهادت رسیدند. اما بنابر روایتی دیگر آن‌ها هنگامی به عراق رسیدند که امام حسین شهید شده و مختار قیام کرده بود. این هندیان، مختار را برای تسلط بر کوفه و سپس انتقام گرفتن از قاتلان امام حسین یاری کردند و مختار نیز آن‌ها را در محله‌ای از کوفه که دیرالهندیه خوانده شد، سکونت داد (دهر میندرنات، ۲۰۱۳: ۳۷۸؛ ابوطالب، ۱۹۸۴: ۱۶۴-۱۶۶). (Yoginder Sikand, 2004).

۲. روایت دت‌ها از مشارکت اجدادشان در قیام کربلا

زمان و چگونگی ورود برهمنان دت به عراق هر چه باشد، آن چه مهم است و تاریخ دت‌ها و برهمنان حسینی از سده نوزدهم، به آن گره خورده است، مشارکت اجداد این طایفه در قیام کربلا یا در قیام مختار ثقفی است. بنابر روایت‌های پراکنده و گاه درهم ریخته کبیت‌ها، اجداد برهمنان حسینی پس از ورود به عراق در بندری در نزدیکی بصره به نام الحرا! ساکن شدند و از این بندر، به فرماندهی شخصی به نام رهب/راهب یا رای سید دت،^{۱۵} که خود از برهمنان مشهور بود و هفت فرزند پسر داشت، خود را به کربلا رسانده و به یاری امام حسین شتافتند و بسیاری از آن‌ها از جمله هفت پسر راهب به شهادت رسیدند و سپس راهب که از سوی امام حسین لقب سلطان گرفته بود به همراه تعدادی از دت‌ها از طریق ایران و خراسان به پنجاب برگشتند. از آن پس تا زمان حاضر هر ساله در ایام محرم، به یاد شهادت امام حسین و یارانش و نیز شهدای دت، به عزاداری به سبک شیعیان و البته براساس آداب و رسوم خود می‌پردازند. حتی گفته شده که این برهمنان در بازگشت به هند، نوشته‌ای به نام کتاب حسین^{۱۶}، همراه خود

۱۴. دهر میندرنات، (۲۰۱۳: ۳۷۹) ادعا کرده که نسخه‌ای از نامه امام سجاد به چندرگوپتا، در نزد خاندانی که در گذشته بر راجستان حکومت می‌کرده‌اند، موجود است اما تنها افراد خاص به آن دسترسی دارند.

15. Rahib, Sidh Datt Rai

16. Husain puthi

بردند که در بردارنده ماجرای قیام کربلا و مرثی دربارۀ این حادثه بود و اکنون مفقود است. بنابر روایتی شگفت‌انگیز، راهب و فرزندان و همراهانش، قاتلان امام حسین را تا کوفه تعقیب کردند و سرهای بریده را از آن‌ها گرفته و پس از غسل سرها، راهی دمشق شدند. در بین راه سربازان یزید به برهمنان رسیدند و خواستند سرها را پس بگیرند. راهب یکی یکی سر پسرانش را برید و به سربازان داد تا از سپردن سر حسین و یارانش به آن‌ها خودداری کند. بر اساس روایتی دیگر راهب و یارانش زمانی به کربلا رسیدند که امام حسین به شهادت رسیده بود. در نتیجه آن‌ها به قیام مختار پیوستند و مختار را در فتح قلعه کوفه و انتقام گرفتن از شهدای کربلا یاری کردند. مختار نیز به پاس این خدمت آن‌ها را در محله‌ای از کوفه اسکان داد که به دیرالهندیه مشهور شد (Sikand, 2004؛ دهر میندرنات، ۲۰۱۳: ۳۷۶-۳۷۷؛ ابوطالب، ۱۹۸۴: ۱۷۰).

درباره آداب و رسوم دت‌ها یا برهمنان حسینی در ایام محرم، پیش از سده نوزدهم اطلاعی در دست نیست. با این‌که گزارش‌های نادری از مسلمان شدن برخی از موهیال‌ها در دست است (Stracey, 1938: 31-32; Meet the Hussaini Brahmins, Hindus) اما به نظر می‌رسد دت‌ها هیچ‌گاه مسلمان نشدند. هدف این مقاله پرداختن به آداب و رسوم و آیین‌های عزاداری، برهمنان حسینی نیست و علاقمندان می‌توانند به منابع این مقاله یا نوشته‌های دیگر، مراجعه کنند. تنها اشاره می‌شود که گزارش‌های متعددی در دست است که نشان می‌دهد، این گروه از برهمنان از سده نوزدهم و شاید پیش از آن، تا کنون در شهرهای مختلف هند در ایام محرم همانند شیعیان به عزاداری برای امام حسین و برپایی هیئت و برافراشتن تعزیه، می‌پرداخته‌اند. آن‌ها در شهرهای مختلف چون، دهلی، امریتسر، لاهور، راولپندی، سیالکوت، گرداسپور (در پنجاب هند)، کابل، حیدرآباد دکن، پونا و مظفرآباد و جهلم در کشمیر در تکیه‌ها و حسینیه‌های مخصوص به خود گردهم می‌آیند و با سوز و گداز و به شیوه مرثیه‌خوانان شیعی، با خواندن کبیت‌هایی که محتوای آن‌ها اغلب درباره فداکاری‌ها و رشادت‌های اجدادشان در

قیام کربلا است، به عزاداری می‌پردازند. بدیهی است که این عزاداری‌ها، رنگ و بوی آداب و رسوم و نیز عقاید هندویی دارد و تصور آن‌ها از امام حسین و قیام آن حضرت و شهادت وی، منطبق بر عقاید و آداب هندوان است. با این‌که اطلاع دقیقی از پراکندگی جغرافیایی برهمنان حسینی و نیز آمار جمعیت آن‌ها در دست نیست، اما به نظر می‌رسد در دهه‌های اخیر علاوه بر کاهش شمار آن‌ها، مشارکت آن‌ها در آیین‌های عزاداری محرم نیز رو به ضعف نهاده و همین موضوع موجب نگرانی برخی از این برهمنان شده است (Nonica Datta, 2019; Khalid Alvi, 2018; Abolfazl, 2014; Meet the Hussaini) Brahmins, Hindus who observe Muharram alongside Muslims, 2014; Where Hindus join Shias to mourn (Imam Hussain, 2012).

۳. نقد و بررسی روایت‌های مرتبط با مشارکت دت‌ها در قیام کربلا

روایت‌های مرتبط با حضور اجداد برهمنان حسینی در قیام کربلا، بسیار به هم ریخته و زمان پریش و غیر قابل باور هستند. این روایت‌ها به رغم شهرت فراوان و تأثیرگذاری بسیار در جامعه هند، با تاریخ اسلام و تاریخ قیام کربلا، هیچ همخوانی ندارند. از این رو در دهه‌های اخیر حتی برخی از وابستگان به این گروه، این روایات را جعلی و افسانه‌آمیز و خرافی می‌دانند و با شک و تردید و ناباوری به این روایت‌ها می‌نگرند (Zeba T Hashmi, 2015, Meet the Hussaini Brahmins, Hindus who observe Muharram alongside Muslims, 2014). دهر میندرنات (درگذشت ۱۹۹۹) شاعر و پژوهشگر هندو و از ارادتمندان به امام حسین و اهل بیت، پس از ذکر برخی از داستان‌های نسبت داد شده به راهب، جد دت‌ها و فرزندان وی، این روایت‌ها را مخالف عقل و کار دشمنان دین دانسته است (دهر میندرنات، ۲۰۱۳: ۳۷۹). با این حال دلایل و شواهدی تاریخی نیز در دست است که براساس آن می‌توان به جعلی بودن این روایت‌ها، پی برد. از جمله:

۳. ۱. عدم اشاره به نام هندوان در مقاتل و منابع تاریخی

در مقاتل موجود و منابع تاریخی، به مشارکت برهمنان یا حتی فرد و افرادی از سند و هند در واقعه کربلا و در قیام مختار هیچ اشاره‌ای نشده است. در منابع تاریخی موجود که مطالب و روایت‌های مفصلی با جزئیات کامل، درباره این دو حادثه و افراد شرکت کنند در آن، نقل کرده‌اند، کوچک‌ترین اشاره یا حتی کنایه‌ای که بتوان آن را حمل بر حضور هندیان در این حوادث کرد، یافته نشد. در کتاب پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، که اسامی و شرح حال همه حاضران و شهدای کربلا را براساس مقاتل و منابع تاریخی جمع‌آوری کرده است نیز هیچ نام و نشانی از هندیان و هندوان نیست (شاکر و دیگران، ۱۳۸۵). کسانی چون راسل استریسی، رای‌زاده هریچند وید، دهرمیندرنات و دیگران نیز که درباره موهیال‌ها و برهمنان حسینی پژوهش کرده یا به جمع‌آوری کسبیت‌ها همت گماشته‌اند، هیچ اشاره‌ای به منابع تاریخی اعم از تاریخ اسلام و تاریخ هند در این زمینه ندارند و آگاهی‌های خود را یکسره از کسبیت‌ها که منشأ و زمان سرایش آن نامشخص است، به دست آورده‌اند. حتی برخی از پژوهشگران که از قضا با تفصیل و گاه جانبدارانه درباره روایات و آداب و رسوم برهمنان حسینی، قلم‌فرسایی کرده‌اند، با صراحت یا غیرمستقیم به ساختگی و افسانه‌آمیز بودن این روایت‌ها، اشاره کرده‌اند (برای نمونه نک. Yoginder Sikand, 2004; Abolfazl, 2014؛ ابوطالب، ۱۹۸۴: ۱۶۶).

در منابع تاریخی متأخرتر گزارش‌هایی جسته‌گریخته درباره موهیال‌ها یا طایفه دت آورده شده است. گفته شده که محمدبن قاسم ثقفی به هنگام حمله به سند، با شاهانی از برهمنان موهیال جنگید و آن‌ها را شکست داد (Mohan, n. d: 22). بیرونی در تحقیق ماللهند (۱۴۰۳: ۳۱۸-۳۱۹)، به حکومت الشاهیه الهندیه در سده‌های سوم و چهارم در کابل اشاره کرده و ضمن نام بردن از واپسین شاهان آن‌ها چون جیپال و اندپال و تروجنپال، حسن عهد و مکارم اخلاقی آن‌ها را ستوده است. به نوشته عبدالحی حبیبی (۱۳۸۰: ۷۱-۱۰۴) این سلسله، که محمود غزنوی به حکومت آن‌ها پایان داد، همان کابل‌شاهیان یا هندوشاهیان بودند که بر

کابل و ویهند و بخش‌هایی از شمال هند حکومت می‌کردند. راسل استریسی و آر. تی موهان تعلیق‌نویس جنگنامه موهان، شاهان این سلسله را از موهیال‌ها و طایفه دت دانسته‌اند (Stracey, 1938: 30; Mohan, n. d: 23-24). در دوره حکومت مسلمانان در هند به‌ویژه بابریان، گزارش‌هایی از فعالیت دت‌ها به عنوان حاکمان محلی، جاگیردار یا سردار نظامی در دست است (Rose, 1914: 3/133-136; Stracey, 1938: 2-5, 22; 46, 48). که اغلب القابی چون رای، رای‌زاده، بخشی، ملک و سلطان، داشتند، اما در هیچ یک از این گزارش‌ها، به مشارکت اجداد این طایفه در قیام کربلا یا برگزاری مراسم عزاداری توسط آن‌ها به سبک شیعیان اشاره‌ای نشده است.

۳.۲. ناهمخوانی روایت‌های کبیت‌ها با پژوهش‌های مرتبط با ورود تشیع به هند
براساس منابع موجود و پژوهش‌های صورت گرفته درباره تاریخ تشیع در هند، ورود تشیع به هند و آشنایی هندیان به‌ویژه در سند و مناطق غربی و شمال‌غربی شبه قاره با مذهب شیعه، به قدمت ورود اسلام به این مناطق است. به نظر می‌رسد در دهه ششم سده نخست هجری، مردمان سند به اهل بیت پیامبر علاقمند بودند و به‌زعم برخی از پژوهشگران، منظور امام حسین -علیه‌السلام- نیز که پیش از آغاز نبرد با سپاهیان عمر سعد، پیشنهاد کرده بود اجازه دهند به یکی از مرزهای قلمرو مسلمانان، برود (ثغر من الثغور) (شیخ مفید، ۱۹۹۵: ۸۷/۲)، سرزمین سند بوده است که مردمان آن از علاقمندان به تشیع بوده‌اند (Hasnain & Husain, 1988: 39; David Pinault, 2001: 14-15). سندی بودن همسران برخی از امامان شیعه چون امام علی و امام سجاد -علیهما السلام- (ابن کثیر، ۱۹۹۷: ۳۸/۵؛ بلاذری، ۱۹۹۶، ۲۳۰/۳) نیز نشانه آشنایی و علاقه مردمان این سرزمین با اهل بیت دانسته شده است. به نوشته منهج سراج جوزجانی (۱۳۴۲-۱۳۴۳: ۳۱۹-۳۲۰)، جد امرای شنسبانی غور به دست حضرت علی ایمان آورد و حضرت به او عهد و لوداد و پس از وی همه اعضای خاندان شنسبانی آن عهد و لوداد را داشتند و محبت ائمه و اهل بیت در اعتقاد ایشان راسخ بود. این

روایت موجب شده که مورخان و پژوهشگران پس از جوزجانی، شنسبانیان را شیعی مذهب بدانند. به نوشته فرشته (۱۸۷۴: ۲۷/۱) امرای غور در دوره امویان از لعن حضرت علی سرباز زدند و از این رو وی آن‌ها را «فخر جمیع ممالک» خوانده است. با این حال در هیچ‌یک از این منابع و نیز پژوهش‌های صورت گرفته درباره تاریخ ورود تشیع به هند، اشاره‌ای به دت‌ها و روایت‌های مذکور در کبیت‌های آن‌ها نشده است.

یکی از گروه‌های مشهور هندی که نام آن‌ها با تاریخ اسلام و تشیع در هند گره خورده است، جات‌ها/زط‌ها هستند که در کنار گروهی دیگر به نام سیابجه، در برخی از حوادث تاریخ اسلام از سده نخست تا حدود میانه سده سوم، نقش بازی کردند. به نوشته مورخان مسلمان، پس از آن‌که حضرت علی -علیه السلام- خلافت را پذیرفت و در جریان جنگ جمل، این گروه از هندیان که محافظت از بیت المال بصره را بر عهده داشتند، از سپردن بیت المال به فرستادگان عائشه خودداری کردند و در درگیری با این فرستادگان، کشته شدند (طبری، ۱۹۶۷: ۴۶۸/۴؛ بلذری، ۱۹۸۸: ۳۶۵). برخی از پژوهشگران، این رفتار جات‌ها را به عشق و علاقه شدید این گروه به حضرت علی تعبیر کرده و باور دارند که محبت اهل بیت، برای نخستین بار توسط این افراد در مناطقی از سند و هند پراکنده، شد: Rizvi, 1968: 38-39 (Husain, 1988: 1/138; Hasnain &). از سوی دیگر گاه کوشش شده جات یا زط را با دت یکی گرفته و ادعا شود که این جات‌های مذکور در منابع تاریخی، همان برهمنان دت هستند (Abolfazl, 2014؛ دهرمیدرنات، ۲۰۱۳: ۳۷۷). در حالی که اولاً در منابع تاریخی و نیز پژوهش‌هایی که درباره جات‌ها صورت گرفته، هیچ نشانه‌ای از تشیع آن‌ها یافته نشد. در ماجرای محافظت از بیت المال بصره نیز به نظر می‌رسد، مقاومت آن‌ها بیشتر برآمده از شغل آن‌ها بوده است، چرا که زط‌ها در این دوره اغلب به کار نگهبانی از راه‌ها و شهرها اشتغال داشتند (محمدی ملایری، ۳۱۳۷۹: ۲۱۱-۲۱۴). ثانیاً اگر هم ارتباطی میان زط‌ها و دت‌ها به عنوان اجداد برهمنان حسینی باشد، ورود آن‌ها به جهان اسلام و پیوستن آن‌ها به مسلمانان، هیچ ارتباطی با روایت‌های موجود در کبیت‌ها و گسیل شدن آن‌ها به عراق

برای یاری امام حسین ندارد، بلکه به تصریح همه منابع، زطها، گروهی از اهالی سند بوده‌اند که از دوره بهرام گور یا پس از الحاق سند به قلمرو ساسانی، به لشکریان ساسانی پیوسته‌اند و پس از شکست ساسانیان از عرب‌های مسلمان و پیوستن سپاهیان ساسانی به مسلمانان، این گروه نیز به عرب‌ها پیوسته و در برخی از حوادث صدر اسلام، نقش آفرینی کرده‌اند. ضمن این‌که هیچ گزارشی از حضور و مشارکت جات‌ها در حادثه کربلا و در قیام مختار نیز در دست نیست (برای آگاهی بیشتر درباره جات‌ها نک. عالم‌زاده و ایزدی، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۲۰؛ زندیه و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۹۹-۲۲۳؛ شبانه، ۱۳۸۶: ۱۷-۲۳؛ نیز نک. Bosworth, 2002: 10/547; Baxmee Ansari, 1991: 2/488

۳.۳. نادرستی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی کبیت‌ها

گذشته از آن‌که هیچ نام و نشانی از برهمنان حسینی و اجداد آن‌ها در منابع تاریخی یافته نمی‌شود، اشاره‌های تاریخی و جغرافیایی موجود در کبیت‌ها و نیز روایت‌هایی که براساس تفسیر و تأویل کبیت‌ها در میان برهمنان حسینی رایج است و در ایام محرم با شور و حال فراوان خوانده، می‌شود، نیز بسیار به هم ریخته و زمان پریش و ناهمخوان با واقعیات تاریخی است. روایت‌هایی چون یاری کردن حسن و حسین در کربلا و ذکر نام امام حسن در این ماجرا، نبرد دت‌ها در کربلا و سپس حمله آن‌ها به کوفه و فتح آن شهر و نواختن طبل و دهل و سردادن غریو شادی، روانه شدن دت‌ها پس از قیام کربلا با شمشیرهای آخته به سوی روم، شام، شهر مرده!!، غزنی، بلخ، بخارا، سند و قندهار و سپس پنجاب (Rose, 1914: 3/133; Stracey, 1938: 131-134)، ضمن این‌که به لحاظ محتوا درهم ریخته و آشفته هستند، در هیچ جای تاریخ اسلام و تاریخ هند و ایران نیز نشانی از آن‌ها نیست. همچنین ادعا شده که امام حسین به راهب دت لقب سلطان داد و به او دستور داد که به هند بازگردد. یا ادعا شده که دت‌ها با دعوت و اصرار پیامبر اسلام حضرت محمد، به یاری فرزند وی شتافتند. یا این‌که دت‌ها در بازگشت از عراق یک تار موی پیامبر را با خود به هند آوردند و هم اکنون آن مو در

زیارتگاه حضرت بال در مرکز کشمیر (سرینگر) نگهداری می‌شود. همچنین مدعی هستند که برهمنان حسینی خطی کم رنگ به نشانه قربانی شدن برای حسین، زیر گلوی خود دارند و این خط یکی از راه‌های شناسایی افراد این گروه است. نیز داستان دعوت امام سجاد طی یک نامه از چندرگوپتا همسر مهربانو دختر یزدگرد سوم ساسانی که نه چنین نسبتی به امام درست است و نه یزدگرد ساسانی دختری بدین نام داشته که به همسری پادشاهی در هند درآمده باشد (Sheikh) Majid, 2017; Abolfazl, 2014; Meet the Hussaini Brahmins, Hindus who observe Muharram alongside Muslims, 2014). همچنین ادعا شده است که به همراه دت‌ها، شمار زیادی سید نیز از عراق راهی هند شدند که در منابع و مقاتل و نیز پژوهش‌هایی که درباره مهاجرت سادات به خارج از عراق و جزیره‌العرب صورت گرفته، خبری از چنین مهاجرانی نیست.

اشاره‌هایی که در کبیت‌ها به برخی از مکان‌های جغرافیایی شده نیز نادرست است. برای نمونه گفته شده که اجداد دت‌ها، پس از ورود به عراق در جزیره الحرا در نزدیکی بصره ساکن شدند (Stracey, 1938: 133-134؛ دهرمیدرنات، ۲۰۱۳: ۳۷۶-۳۷۷). در منابع جغرافیایی و تاریخی اسلامی، به وجود چنین جزیره‌ای در نزدیکی بصره و در دیگر مناطق سرزمین عراق، اشاره نشده است. مشهورترین بندر تجاری در نزدیکی بصره از روزگاران کهن تا دوره اسلامی که بارانداز مهم بازرگانان هندی و چینی بوده و طبری آن را دروازه/گذرگاه هند (فرج‌الهند) خوانده، ابله است (طبری، ۱۹۶۷: ۴۸۷/۳، ۵۹۲؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۳۳). شاید کلمه الحرا، تصریف الهور عربی به معنی مرداب یا دریاچه کم عمق باشد که احتمال به گل نشستن کشتی‌ها در آن زیاد بود. به نوشته اصطخری (۱۳۴۰: ۸۳) بندر ابله، رودهای فراوان داشت. یکی از آن‌ها نهر ابله بود که به سبب رفت و آمد فراوان کشتی‌ها، گاه از خود بندر ابله نیز مشهورتر بود. این نهر دارای مرداب‌ها (اهوار) فراوان بود و یکی از مهم‌ترین و خطرناک‌ترین آن‌ها برای کشتی‌ها، هور ابله نام داشت. از این رو ممکن است هندی‌ها از باب اختصار و نیز اطلاق جزء بر کل، بندر ابله را الهور خوانده باشند که به تدریج به الحرا تبدیل

شده است. اگر این فرض پذیرفته شود، این تنها شاهد از حضور دت‌ها در کنار دیگر هندیان در عراق در سده‌های نخست هجری خواهد بود که البته نمی‌تواند حضور این افراد را در قیام کربلا توجیه کند. همچنین ادعا شده که مختار پس از تصرف کوفه، دت‌ها را در محله‌ای از شهر جای داد که به نام آن‌ها دیرالهندیه خوانده شد (Abolfazl, 2017; Sheikh Majid, 2014; ابوطالب، ۱۹۸۴: ۱۶۴-۱۶۶). شگفت آنکه روزنامه DAWN (طلوع/سپیده دم) یکی از قدیم‌ترین و پرشمارگان‌ترین روزنامه‌های انگلیسی زبان که از ۱۹۴۱ توسط محمدعلی جناح به عنوان ارگان رسمی مسلم لیگ در دهلی راه‌اندازی شد و سپس در پاکستان به کار خود ادامه داد، در مقاله‌ای در سوم دسامبر ۲۰۱۷ مدعی شد که دیرالهندیه توسط مختار برای سکونت دت‌ها در شهر بغداد! بنا نهاده شد (Sheikh Majid, 2017). با این حال در منابع به محله‌ای به این نام در کوفه اشاره نشده است. به نوشته یاقوت حموی (۱۹۹۵: ۵۴۱/۲-۵۴۲) دو دیر در حیره وجود داشته است. یکی دیر هندالصغری که ساخت آن منسوب به هند دختر نعمان بن منذر آخرین پادشاه لخمی حیره است و گفته شده که وی تا ظهور اسلام و فتح حیره در آن ساکن بود. دیگری دیر هندالکبری که منسوب به هند دختر حارث بن عمرو بن حجر و مادر عمرو بن هند بوده است.

۴. دلایل رواج و گسترش روایات مرتبط با برهمنان حسینی از سده نوزدهم

فقدان اطلاعات تاریخی درباره برهمنان حسینی و عدم اشاره به آن‌ها در مقاتل و نیز منابع تاریخی اسلامی و هندی، به معنی عدم تأثیرگذاری و کارکرد آن‌ها در جامعه هند نیست. جعلی بودن روایت‌های مرتبط با حضور اجداد برهمنان حسینی در قیام کربلا نباید موجب نادیده گرفتن نقش و سهم آن‌ها در همگرایی میان مسلمانان و هندوان در جامعه هند شود. البته حضور هندوان در آیین‌های محرم و برگزاری مراسم عزاداری و برپاکردن تعزیه، مختص طایفه دت نبوده است. بلکه گزارش‌های زیادی از حدود سده دهم هجری به بعد، به‌ویژه پس از تشکیل حکومت‌های شیعی در دکن و شمال هند، درباره حضور و مشارکت هندوان در

آیین‌های محرم در دست است (برای نمونه‌هایی از این گزارش‌ها نک. معصومی، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۹۰؛ معصومی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۳-۱۱۰). اما این‌که روایت‌های مرتبط با برهمنان حسینی از سده نوزدهم به بعد نسبت به سایر گروه‌های هندو رواج بیشتری یافته، شاید به دلایل زیر باشد:

۴. ۱. کوشش برای جذب در جامعه هند از طریق تلفیق قیام امام حسین با باورهای هندویی

یکی از اثرات مهم و تأثیرگذار مشارکت هندوان در آیین‌های محرم، تلفیق و ترکیب برخی از آداب و رسوم و باورها و عقاید هندویی با آداب و مناسک و باورهای مرتبط با عزاداری برای امام حسین در ایام محرم است. هندوان با مشارکت در آیین‌های محرم، گاه بدون هیچ شناختی از تاریخ اسلام و قیام امام حسین، همان آداب و باورهای هندویی و بومی خود را در قالب عزاداری پیگیری می‌کردند. مشارکت هندوان در آیین‌های محرم، پیش و بیش از آن‌که به سبب گرایش به تشیع یا ابراز عشق و علاقه به امام حسین و شهدای کربلا باشد، برای آن‌ها تداعی کننده آداب و رسوم و آیین‌های ویژه هندوئیسم است. تبدیل شدن عزاداری محرم به نوعی فستیوال که گاه با سرور و شادی نیز همراه است و نیز برگزاری مراسمی چون تعزیه‌گردانی، مهندی (حنابندان) یا آیین فقیرشدن (پوشیدن لباس‌های کهنه و مندرس و انجام حرکات عجیب و غریب در ایام محرم) نمونه‌هایی از آداب و رسوم هندویی رایج در محرم از سده‌های دهم هجری به‌ویژه در منطقه دکن بوده‌است (برای آگاهی بیشتر نک. معصومی، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۹۰) که از قضا برخی از این رسوم از جمله تعزیه‌گردانی در بین برهمنان حسینی نیز بسیار رایج است. اما مهم‌تر از این آداب و رسوم، برخی از باورهای آن‌ها درباره امام حسین است. برای نمونه برهمنان حسینی باور دارند که قیام امام حسین در بهگودگیتا/ بهاگاواد گیتا^{۱۷} یکی از مهم‌ترین و اسرارآمیزترین بخش‌های مهابهاراتا پیشگویی شده‌است. یا براساس

باورهای هندوان، کالکی^{۱۸} دهمین و آخرین تجلی ویشنو است که در عصر کالی یوگا یا ظلمت، به صورت مردی سوار بر اسب و با شمشیر ظهور کرده و با ظلم و ستم و مردم شرور و مدعیان دروغین پیامبری خواهد جنگید و جهان را از پلیدی و ناپاکی، پاک خواهد کرد. برهمنان حسینی باور دارند کالکی در جسم امام حسین ظهور یافته و وی تجلی و تجسم ویشنو است (Sikand, 2004; Yoginder) Abolfazl, 2014; Muhajir, 2010: 28; ابوطالب، ۱۹۸۴: ۱۶۶-۱۶۷). همچنین دت‌ها باور دارند که جدشان در جنگ میان خیر و شر شرکت کرده و در طرف خیر ایستاده است. آن‌ها قیام امام حسین را همانند جنگ‌های بزرگ میان خیر و شر در دو حماسه هندی یعنی رامایانا و مهابهاراتا می‌دانند (Khalid Alvi, 2018). از میانه‌های سده نوزدهم و به‌ویژه پس از اوج‌گیری فعالیت‌ها و مبارزات ضد استعماری از سوی مسلمانان و هندوان و ظهور و بروز اختلافات میان این دو گروه، برهمنان حسینی گرفتار چالشی جدی شدند، به‌گونه‌ای که گاه از جانب هندوان به اتهام نزدیکی به مسلمانان و زمانی از سوی مسلمانان به سبب اعتقاد و التزام به هندوئیسم، دشمن پنداشته می‌شدند. از این رو بعید نیست که رواج و گسترش روایاتی که تلفیقی از اسلام و آیین هندو بود، راهی برای جلب نظر مسلمانان و هندوان و نیز برکشیدن طایفه دت در میان دیگر طوایف موهیال، در این دوره بوده باشد، به‌گونه‌ای که ایام محرم و مراسم و مراثی رایج در میان برهمنان حسینی، بیشتر فرصتی برای بزرگداشت رهب و دیگر اجداد این طایفه بود (Nonica Datta, 2019).

۲.۴. برهمنان حسینی محملی برای ایجاد اتحاد مسلمانان و هندوان برضد استعمار بریتانیا

از میانه سده نوزدهم به‌رغم اختلاف میان گروه‌های دینی و مذهبی در هند، کوشش‌های زیادی جهت ایجاد اتحاد میان همه هندیان برای مقابله با استعمار بریتانیا صورت گرفت و با ورود

به سده بیستم و به موازات افزایش قیام‌ها و جنبش‌های ضد استعماری، کوشش برای ایجاد همدلی و همراهی میان همه ساکنان هند نیز رو به فزونی نهاد. یکی از گروه‌هایی که قابلیت ایجاد چنین وحدت و همگرایی بر محور آن وجود داشت، دت‌ها یا برهمنان حسینی بودند. از این رو در اشعار و مراثی شعرا، نوشته‌های ادیبان و داستان‌نویسان و نیز سرمقاله‌ها و مقاله‌های روزنامه‌ها و برخی از مجلات، به تفصیل به جنبه‌های مختلف تاریخی و نیز آداب و رسوم آن‌ها به‌ویژه در ایام محرم، پرداخته شد. در این مقالات تأکید زیادی بر این نکته صورت گرفت که برهمنان حسینی جامعه‌ای نیمه هندو و نیمه مسلمان هستند. حتی درباره جد آن‌ها رهب/راهب نیز که بنابر گزارش کبیت‌ها در قیام کربلا شرکت کرده بود، از زبان برخی از صوفیان و مشایخ پنجابی روایت‌ها و داستان‌هایی مبنی بر مسلمان و هندو بودن وی ساخته و پرداخته شد. از جمله یکی از این مشایخ پس از گفتگو با راهب و اطلاع از مشارکت وی در قیام کربلا درباره وی گفت: دت سلطان دینش هندو و امامش مسلمان.^{۱۹} همچنین جملات قصاری چون دت سلطان نه هندو نه مسلمان^{۲۰} یا دت سلطان نیم هندو نیم مسلمان^{۲۱} درباره وی، در همه نوشته‌ها و گزارش‌ها درباره برهمنان حسینی به کرات تکرار شد (Stracey, 1938: 45-46; Yoginder Sikand, 2004)، که به خوبی نشان‌دهنده کوشش برای ایجاد ارتباط میان مسلمانان و هندوان از طریق این گروه است. در نیمه نخست سده بیستم مجله‌ای ادبی و اردو زبان به نام زمانه در کانپور هند منتشر می‌شد که یکی از اهداف اصلی متولیان و نویسندگان آن دست‌کم در بخشی از دوره فعالیت مجله (فاصله ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸) درهم آمیختن تاریخ مسلمانان و هندوان در ماجرای کربلا برای دستیابی به زمینه همکاری مسلمانان و هندوان برضد انگلیسی‌ها بود (syed akbar hyder, 2006: 177-178). یکی از نویسندگان این مجله که خود از مشهورترین ادیبان و رمان‌نویسان زبان‌های هندی و اردو و بنیان‌گذار شیوه نوین داستان‌نویسی در ادبیات اردو به شمار می‌رود،

19. Wah Dutt Sultan Hindu ka Dharm Mussalman ka Imam

20. Datt Sultan na Hindu na Musalman

21. Datt Sultan adha Hindu adha Musalman

منشی پریم چند^{۲۲} (درگذشته ۱۹۳۶) هندو مذهب بود. او نمایشنامه‌ای بلند به نام کربلا بر حول محور مشارکت دت‌ها در قیام کربلا نوشت که تأثیری شگرف بر جامعه مسلمان و هندو بر جای نهاد. پریم چند در این رمان، از امام حسین چهره قهرمانی جهانی و ورای همه مرزها و سنت‌ها ارائه کرد. در بخشی از رمان کربلا، امام حسین در خطابه‌ای در برابر راهب، جد برهمنان حسینی، آن‌ها را کسانی دانسته که به‌رغم این‌که مسلمان نیستند خود را فدای حق و حقیقت می‌کنند. او همچنین از قول امام حسین خطاب به دت‌ها گوید: شما از کشوری هستید که برای نخستین بار ندای توحید از آن برخاست و در جایی دیگر از زبان عباس برادر امام حسین درباره دت‌ها آورده است: اینان بدون این‌که دین خود را رها کنند در اسلام ذوب شده‌اند (پریم چند، بی‌تا: ۲۴۹-۲۵۳؛ syed akbar hyder, 175-176).

کوشش‌های صورت گرفته از میانه سده نوزدهم تا زمان تجزیه شبه قاره هند برای تأکید بر نقش برهمنان حسینی در ایجاد همگرایی در جامعه هند بر نویسندگان بعدی نیز بی‌تأثیر نبود، به‌گونه‌ای که برخی از پژوهشگران ضمن این‌که برهمنان حسینی را جمع اضداد و باورهای آن‌ها را مجموعه‌ای در هم تنیده از اسلام و هندوئیسم دانستند، برای نشان دادن امکان زندگی مسالمت‌آمیز در هند و نیز به عنوان نمونه‌ای از جامعه پلورالیستی و مدارا محور در این کشور، به برهمنان حسینی استناد کردند (Abolfazl, 2014; Zeba T Hashmi, 2015) و حتی به‌رغم اطلاع و اقرار به ساختگی بودن ماجرای حضور دت‌ها در قیام کربلا، اظهار داشتند که مشارکت برهمنان حسینی در آیین‌های محرم، نشان‌دهنده آن است که عاشورا می‌تواند محملی برای زندگی در سایه پلورالیسم و سکولاریسم! باشد (Zeba T Hashmi, 2015).

۴.۳. پژوهشگران شیعی و تبلیغ برهمنان حسینی

ایستادگی امام حسین در برابر ستمگری حکومت زمانه خویش و فدا کردن خود و یارانش در

راه حق و عدالت، موضوعی است که در طول تاریخ علاوه بر شیعیان، بسیاری از پیروان ادیان و مذاهب دیگر را نیز شیفته وی کرده است. این شیفتگی در مناطقی که ارتباط بیشتری میان شیعیان و پیروان ادیان و مذاهب دیگر وجود دارد، تجلی و نمود بیشتری یافته و موجب مشارکت غیرشیعیان و غیرمسلمانان در آداب و آیین‌های مرتبط با بزرگداشت امام حسین شده است. سرزمین هند به سبب تنوع و کثرت پیروان ادیان و مذاهب مختلف و ارتباط گسترده میان آن‌ها با مسلمانان، بیش از دیگر مناطق، صحنه تجلی عشق و علاقه غیرمسلمانان به امام حسین و مشارکت در آیین‌های عزاداری برای آن حضرت و نیز همزادپنداری با حادثه کربلا، بوده است. به رغم این که مشارکت هندوان در آیین‌های محرم قطعاً تأثیرات فرهنگی و اجتماعی عمیقی در جامعه هند داشته است، بدیهی است که امام حسین حقانیت و محبوبیت خود را مدیون مشارکت هندوان در آیین‌های عزاداری محرم نیست، بلکه حقانیت وی که برگرفته از مقام امامت و عصمت وی در نزد شیعیان است، دارای پشتوانه‌های اعتقادی و کلامی است که شیعیان چندین سده درباره آن نوشته و بدان باور دارند. هندوان و مخصوصاً برهمنان حسینی که سده‌هاست در مراسم محرم مشارکت می‌کنند و به بزرگداشت امام حسین می‌پردازند، نه تنها درباره تاریخ اسلام و قیام کربلا اطلاعات ناقص، به هم ریخته و اشتباهی دارند بلکه از این مبانی کلامی و اعتقادی نیز بی‌خبر هستند. با این حال برخی از نویسندگان و پژوهشگران شیعی به ویژه در دهه‌های اخیر، کوشیده‌اند مشارکت هندوان را در آیین‌های محرم، مستندی سازند برای بیان حقانیت و شهرت امام حسین و در این میان از بین همه هندوانی که از دوره حکومت‌های شیعی در هند، در این آیین‌ها مشارکت می‌کرده‌اند، بر برهمنان حسینی و عشق و علاقه آن‌ها به امام حسین بیش از دیگر گروه‌ها تأکید کرده‌اند. بدیهی است که این نوشته‌ها بر شهرت برهمنان حسینی به ویژه در میان شیعیان افزوده است. این نویسندگان ضمن تأیید ضمنی ادعاهای نادرست و جعلی برهمنان حسینی درباره حضور اجدادشان در کربلا، گاه صفات و ویژگی‌هایی را که دت‌ها برای امام حسین به عنوان تجلی ویشنو برشمرده‌اند، تکرار کرده‌اند و از نسبت‌هایی که هندوان به آن حضرت داده‌اند، نتایجی

گرفته‌اند که نه تنها چیزی بر عظمت و شوکت امام نمی‌افزاید بلکه ممکن است در جایگاه رفیع امامت و عصمت وی نیز خلل ایجاد کند (برای آگاهی بیشتر درباره برخی از این نوشته‌ها نک. اعظم‌لطفی، ۱۳۹۵: ۱۱۴-۱۲۵؛ جعفری، ۱۳۶۳: ۳۱-۳۲؛ ارادت خاص برهمنان حسینی به امام حسین، ۱۳۹۹؛ حسینی برهمن: عاشقان امام حسین(ع) و خاندان عصمت و طهارت(ع)، ۱۴۰۰؛ از عاشورخانه تا امام‌بارگاه: روایتی از ارادت هندوها به سالار شهیدان، ۱۴۰۱؛ عزاداری پرشور هندوها و اهل سنت همراه با شیعیان در سوگ سالار شهیدان(ع)، (۱۳۹۴).

نتیجه

مشارکت هندوان در آیین‌های محرم یکی از جلوه‌های مهم و تأثیرگذار عزاداری برای امام حسین(ع) در هند است. مشارکت این گروه در آیین‌های محرم از سده دهم هجری و پس از تشکیل حکومت‌های شیعی مذهب در شمال و جنوب هند آغاز شد و بیش و کم تا امروز ادامه یافته‌است. در این میان مشارکت برهمنان حسینی متعلق به طایفه دت که یکی از طوایف هفتگانه برهمنان موهیال هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که این گروه اولاً متعلق به کاست و طبقه برهمنان هستند که به لحاظ سنتی و تاریخی برجسته‌ترین طبقه در میان هندوان و مهم‌تر از آن متولیان دین هندو به شمار می‌روند و ثانیاً بر خلاف دیگر گروه‌های هندوی مشارکت‌کننده در آیین‌های محرم، برهمنان حسینی برای خود سنتی تاریخی ایجاد کرده‌اند که سابقه آشنایی آن‌ها با مذهب شیعه را به زمان امام حسین و مشارکت آن‌ها در قیام کربلا می‌رساند. آن‌ها براساس روایت‌هایی که از سده نوزدهم در قالب سروده‌هایی به نام کبیت، فراهم آمده‌است باور دارند که راهب سید دت یکی از اجداد آن‌ها به همراه هفت تن از فرزندان خود و شماری دیگر از هندوان در کربلا به یاری امام حسین شتافتند (براساس روایتی دیگر، مختار را بر ضد قاتلان امام حسین یاری کردند)، و گروهی از آن‌ها از جمله فرزندان راهب، جان خود را در این راه فدا کردند. برهمنان حسینی، هر ساله در ایام محرم در

تکیه‌ها و حسینیه‌های مخصوص خود این کبیت‌ها را که در بردارنده تاریخ مشارکت دت‌ها در عاشورا و نیز در رثای امام حسین و یارانش از جمله برهمنان دت است، با سوز و گداز می‌خوانند و به عزاداری به سبک و شیوه خود می‌پردازند. در این مقاله ضمن اعتراف به تأثیرات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مشارکت برهمنان حسینی در آیین‌های محرم و سهم مهمی که آن‌ها در ایجاد همگرایی و زندگی مسالمت‌آمیز میان هندوان و مسلمانان داشته‌اند، با استناد به منابع تاریخ اسلام و هند و نیز برخی از شواهد و قرائن موجود، نشان داده شد که روایت‌های موجود در کبیت‌ها به لحاظ تاریخی فاقد اعتبار و البته به هم ریخته، نابسامان و زمان‌پیش است و در منابع تاریخی و مقاتل موجود و نیز در پژوهش‌های صورت گرفته درباره تاریخ تشیع در هند، هیچ اثری از حضور و مشارکت اجداد برهمنان حسینی در قیام کربلا در دست نیست. به‌رغم این موضوع، از سده نوزدهم به دلایل سیاسی، اجتماعی و مذهبی، روایت‌های مرتبط با حضور این برهمنان در کربلا و نیز گزارش‌ها درباره مشارکت آن‌ها در آیین‌های محرم، توجه زیادی را به خود جلب کرد، هر چند که در سال‌های اخیر به شدت از شمار برهمنان حسینی در سراسر هند کاسته شده است و جوانان و نسل جدید آن، بیشتر علاقه دارند که به عنوان برهمنانی در کنار و همسو با دیگر برهمنان شناخته شوند و از عنوان برهمنان حسینی برای معرفی آن‌ها استفاده نشود.

کتابنامه

- ابن کثیر (۱۹۹۷). البدايه و النهايه، چاپ ابوالمحم و دیگران، بیروت.
- ابوطالب (۱۹۸۴). دت برهمن، امام حسین سی ضبط و ربط، در ریگ سرخ، مهدی نظامی، دهلی.
- اصطخری ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۴۰)، المسالک و الممالک، باهتمام ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر.
- اعظم لطفی، فرزانه (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل فلسفه عاشورا در میان برهمنان حسینی هندوستان، نشریه پژوهش نامه معارف حسینی، پائیز ۱۳۹۵، شماره ۳.
- بیرونی، ابوریحان (۱۴۰۳). تحقیق ماللهند، بیروت، عالم الکتب.
- جعفری، سیدحسین علی (۱۳۶۳ ش). تعزیه داری در هند، ترجمه افضل وثوقی، کیهان فرهنگی، مهرماه عبدالحی حبیبی (۱۳۸۰). تاریخ افغانستان بعد از اسلام، تهران.
- دهر میندر نات (۲۰۱۳). عزاداری حضرت امام حسین، ایک آفاقی تحریک، دهلی نو، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.
- زندیه، حسن و دیگران (۱۳۹۸). وضعیت اجتماعی کاولی ها در غرب ایران، نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی، بهار و تابستان ۱۳۹۸، سال نهم، شماره ۱، ص ۱۹۹-۲۲۳.
- شاکر، ابوالقاسم و دیگران (۱۳۸۵)، پژوهشی پیرامون شهدای کربلا، قم، زمزم هدایت.
- شیانه، رحیم (۱۳۸۶). زطها در تاریخ، نشریه رشد آموزش تاریخ، شماره ۲۷، ص ۱۷-۲۳.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۷). تاریخ الرسل و الملوک، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت.
- عالم زاده، هادی، ایزدی، حجت الله (۱۳۸۴)، گروه های جات در قلمرو اسلامی، نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، بهار ۱۳۸۴، شماره ۵۳، ص ۱۰۱-۱۲۰.
- محمدقاسم بن غلامعلی فرشته (۱۸۷۴). کانپور.
- معصومی، محسن (۱۳۹۱). هندوان و آیین های محرم در دکن، مجله تاریخ و تمدن ملل اسلامی، پائیز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۷۳-۱۹۰.
- معصومی، محسن و دیگران (۱۳۹۶). هندوان و آیین های محرم در لکنهو در دوره نواب اوده، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال پنجاهم، شماره یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۹۳-۱۱۰.
- محمدبن محمد مفید (۱۹۹۵). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت.
- منهاج سراج جوزجانی (۱۳۴۲-۱۳۴۳). طبقات ناصری، چاپ عبدالحی حبیبی، کابل.
- یاقوت حموی (۱۹۹۵). معجم البلدان، بیروت، دارصادر.

- Bazmee ansari, (1991), Djat. *Encyclopaedia of Islam*, vol. XI, Leiden. Brill.
- C. E. Boswotr. (2002), Zutt, *Encyclopaedia of Islam*, vol. II, Leiden. Brill.
- Hasnain, Nadeem, Abrar Husain, Sheikh (1988). *Shia and Shia Islam in India*, New Delhi.
- R. T. Mohan (n. d). *Jangnama Mohan*, Panchkula.
- Muhajir, Umair Ahmed (2010). Liminality: A Manifesto, in *Economic and Political Weekly*, JANUARY 16-22, 2010, Vol. 45, No. 3 (January 16-22, 2010), pp. 27-29.
- Pinault, David (2001). *Horse of Karbala: Muslim devotional life in India*, New York.
- Rizvi, Saiyid Athar Abbas (1986). *A socio Intellectual History of Isna Ashari Shiis in India (7th to 16th century A. D.)*, with analysis of early shiism, Australia.
- H. A. Rose, E. D. Maclagan, Denzil Ibbetson (1914). A glossary of the tribes and castes of the Punjab and North-West Frontier Province, Lahore.
- Tracey, T. B. Russell (1938). *The history of Muhiyals: The militant Brahman race of India*, Lahore.
- Syed Akbar hyder (2006). *Reliving Karbala: martyrdom in South Asian memory*, Oxford University Press.
- Yoginder Sikand (2004). *Hindu followers of Muslim Imam*, in *Milli Gazette*, Vol. 5, No. 10, May 2004, p.16-31.

پایگاه‌های اینترنتی

ارادت خاص برهمنان حسینی به امام حسین (۱۳۹۹ش). قابل دسترسی در

<https://www.karbobala.com/news/info/5703>

حسینی برهمن: عاشقان امام حسین (ع) و خاندان عصمت و طهارت (ع)، (۱۴۰۰ش). قابل دسترسی در

<https://farhangemelal.icro.ir/news>

از عاشورخانه تا امام‌بارگاه: روایتی از ارادت هندوها به سالار شهیدان (۱۴۰۱ش). قابل دسترسی در

<https://www.irna.ir/news>

عزاداری پرشور هندوها و اهل سنت همراه با شیعیان درسوگ سالار شهیدان (ع)، (۱۳۹۴ش). قابل دسترسی

- <https://hawzah.net/fa/Magazine/View>
Abolfazl (2018). The Brahmins who fought for Imam Hussain at Karbala, in Kashmir Observer Online, 5 November 2014. Retrieved from <https://kashmirobsrver.net/2014/11/05/the-brahmins-who-fought-for-imam-hussain-at-karbala/>
- Khalid Alvi (2018). In Good Faith: The Hindus with Hussain: Hussaini Brahmins, various Hindu figures mark Muharram, in The Indian Express, 28 September 2018, Retrieved from <https://indianexpress.com/article/opinion/columns/hussaini-brahmins-hindus-muslims-muharram-mohyal-brahmins-5367234>
- Meet the Hussaini Brahmins, Hindus who observe Muharram alongside Muslims (2014). Firstpost, November 05, 2014 11:23:12 IST, Retrieved from <https://www.firstpost.com/living/meet-the-hussaini-brahmins-hindus-who-observe-muharram-alongside-muslims-1788623.html>
- Nonica Datta (2019). The Forgotten History of Hussaini Brahmins and Muharram in Amritsar, 30 Sep., 2019, retrieved from <https://thewire.in/religion/the-forgotten-history-of-hussaini-brahmins-and-muharram-in-amritsar>
- Sheikh Majid (2018). Spiritual connect of two villages on both sides of the divide, in Dawn (newspaper), December 31st, 2017, Retrieved from <https://www.dawn.com/news/1379906>.
- Zeba T Hashmi (2015). Ashura and pluralism, in Daily Times, Pakistan, 4 November 2015, retrieved from <http://www.dailytimes.com.pk/opinion/17-Mar-2015/ashura-and-pluralism>.
- ‘Abdolḥay Habībī. (1380), *Tārīkh e Afghānestān*, Tehran.
- Abütāleb. (1984), *Datt Brahmin, Emam Hossein se ḍabṭ wa rabṭ*, in *Rīg e sor kh*, ed. Mahdī Neẓami, Dehli.
- ‘Ālemzāda, Hādī, Īzādī, Hojġatollāh. (1384), *Gorūhāye Jāt dar ḳalamrow e Islamī, ‘Olūm e Ensānī Dāneshgāh Azzahrā*, no. 53, p. 101-120.
- A ẓam Lotfī. (1395), *Barresi wa tahlil e falsafe Āshūrā dar miyān e Brahmanān e Hosseini Hendūstān, Pazhūheshnām e Ma‘aref e Hosseini*, Paeiz, no.3.

- Bīrūnī, Abūreihān. (1403), *Taḥkīk mā lil Hind*, Beirut, Ālam al-Kotob.
- Dharmendra Nath. (2013), 'Azādārī e ḥaḍrat e Emam Hossein, *īk āfākī taḥrīk*, Delhi.
- J'afarī, Sayed Hossein Ali. (1363), *T'aziya dārī dar Hind*, tr. Afḍal Woṯhūkī, Keyhan Farhangī, Mehr, p. 31-32.
- Ibn Kathir. (1997), *al-Bedāyat wa al-Nehāyat*. ed. Abū Mulḥim and others, Beirut.
- Iṣṭakhrī. (1340), *al-Masālik wa al-Mamālik*, ed. Iraj Afahar, Tehran, Bongāh e Tarjome wa Nashr.
- Massūmī, Moḥsen. (1391), *Hendowān wa āeihāy e Murarram dar Deccan, Tārīkh wa Tamaddon e Melal e Islamī*, Paeiz wa Zemestān, p. 173-190.
- Massūmī, Moḥsen and others. (1396), *Hendowān wa āeihāy e Murarram dar Lucknow dar dore e Nowwāb e Oudh, Tārīkh e Tamaddon e Islamī*, Year 50, no. 1, Bahār wa Tābestan, p. 93-110.
- Menhāj Serāj Jozajānī. (1342-1343), *Tabaqāt e Nāserī*, ed. 'Abdolhay Habībī, Kabol.
- Moḥammad ben ḳolām 'Ali Fereshta. (1874), Kanpur.
- Moḥammad ben Moḥammad Mofīd. (1995), *al Irshād*, Beirut.
- Shabāna, Raḥīm. (1386), *Zuthā dar Tārīkh*, Roshd e now, no. 27, p.17-23.
- Shaker, Abolḳāsem and others. (1385), *Pazhūheshī pīrāmūn e shohadāy e Karbalā, Qom, Zamzam e Hedāyat*.
- Tabarī, Moḥammad ben Jarīr. (1967), *Tārīkh al-Rosol wa al-Molūk*, ed. Moḥammad Abolfaḍl Ibrāhīm, Beirut.
- Zandīyya, Hasan and others. (1398), *Waḍ'eīyyat e Kawoliha dar gharb e Iran, Taḥkīkāt e Tārīkh e Ejtemā'aī*, Year 9, no. 1, p. 199-223.
- Yāḳūt Hemawī. (1995), *M'oja al-Boldān*, Beirut, Dārsāder.